

برخی حقوق دانان بر این باورند که سکوت یا ابهام قوانین موضوعه کشورهای غربی درباره جرم سیاسی نتیجه همین آشفتگی در ساحت نظریه پردازی است، به طوری که نظام‌های حقوقی اروپایی، نظیر فرانسه و بلژیک، با عبور از تعریف جرم سیاسی، به تعیین سلبی پاره‌ای از مصادیق جرم سیاسی، که در مقررات کیفری موضوعه جرم‌انگاری شده است، بسنده کرده‌اند. به باور این صاحب‌نظران، همین رویه تقنینی از حقوق رومی - ژرمنی به نظام قانون‌گذاری بین‌المللی نیز سرایت کرده است. چنان که در معاهدات بین‌المللی مربوط به استرداد مجرمان که مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با مجرمان سیاسی هستند، هیچ اشاره‌ای به تعریف جرم سیاسی نشده است.

تشکیک در جهان‌شمولی مفهوم جرم سیاسی

تولد مفهوم جرم سیاسی در نظام حقوقی رومی - ژرمنی برخی حقوق دانان را به باور رسانده است که اصولاً تفاوت و تمایز جرایم سیاسی از جرایم عمومی به نظام یادشده اختصاص دارد و دیگر نظام‌های مدرن حقوقی، نظیر کامن لا و حقوق کمونیستی، چنین تفکیک را نشان نمی‌دهند. این البته گزاره‌ای صحیح است که در کشورهای کامن لا، به ویژه انگلستان، جرم سیاسی تعریف نشده، لیکن نمی‌توان ادعا کرد چنین تفکیکی به طور مطلق در این کشورها وجود ندارد. زیرا برخی ضرورت‌ها، مانند تدوین معاهدات استرداد میان دولت‌ها، به رسمیت شناختن جرایم سیاسی را ناگزیر کرده است، هرچند در قوانین داخلی کشورهایی مانند انگلستان یا آمریکا به جرم سیاسی اشاره‌ای نشده باشد.

اگر چه در فقه اسلامی اصطلاح جرم سیاسی وجود ندارد و این مفهوم در حقوق مدرن شکل گرفته با نگاه تطبیقی می‌توان به مقارنه مفهوم جرم سیاسی با مفاهیم مشابه مطروحه در فقه اسلامی پرداخت. طرفه آن که در صورت مفروض انگاشتن مفهوم مقابله و معارضه با حاکمیت موجود به عنوان تعریف جرم سیاسی در حقوق عرفی مدرن، می‌توان این مفهوم را در منابع و متون فقه امامیه دنبال کرد.

انکار جرم سیاسی

انکار مفهومی به نام جرم سیاسی از سوی بخشی از حقوق دانان نتیجه تشکیک در عنصر معنوی جرم سیاسی است. زیرا اساساً وصف سیاسی یک فعل یا ترک فعل مجرمانه تابعی از آهنگ مرتکب به شمار می‌آید و چون انگیزه اعمال مجرمانه سنجه و میزانی دقیق و قابل اعتماد برای تعریف و توصیف جرم نیست، تطبیق افعال و تروک خلاف قانون بر رکن مادی جرم سیاسی با نارسایی و نقصانی غیرقابل اغماض مواجه می‌شود. با آن که طیف وسیعی از صاحب‌نظران حقوقی پدیده جرم سیاسی را به رسمیت شناخته و آن را مورد تشکیک قرار داده‌اند، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی باورمندان جرم سیاسی، برای تعیین ضابطه و معیاری به منظور تعریف این واژه، در ادوار گذشته صورت گرفته که مبتنی بر آن، تعاریف گوناگونی هم از جرم سیاسی ارایه و در ادبیات حقوق عمومی وارد شده است.

بی‌نیازی از تعریف جرم سیاسی

معدودی از حقوق دانان و صاحب‌نظران تعریف نشدن جرم سیاسی را ناشی از بی‌نیازی نظام‌های حقوقی جوامع دموکراتیک به تمایز و تفکیک جرم سیاسی از دیگر جرایم دانسته‌اند و این بی‌توجهی را نه حاکی از تعمد در نقض و نادیده‌انگاری حقوق منتقدان و معارضان سیاسی، که نشانه بی‌نیازی این جوامع به چنین تأسیسی پنداشته‌اند. زیرا وسعت احترام به آزادی‌های فردی و اجتماعی در این دسته از جوامع را به حدی می‌دانند که اولاً در این کشورها

۹۹ اگر چه در فقه اسلامی اصطلاح جرم سیاسی وجود ندارد و این مفهوم در حقوق مدرن شکل گرفته با نگاه تطبیقی می‌توان به مقارنه مفهوم جرم سیاسی با مفاهیم مشابه مطروحه در فقه اسلامی پرداخت. طرفه آن که در صورت مفروض انگاشتن مفهوم مقابله و معارضه با حاکمیت موجود به عنوان تعریف جرم سیاسی در حقوق عرفی مدرن، می‌توان این مفهوم را در منابع و متون فقه امامیه دنبال کرد. **۶۶**

بسیاری از اعمال و اقدامات جرم‌انگاری شده در جوامع کمتر توسعه یافته اساساً جرم به شمار نمی‌رود و ثانیاً تضمین‌های دادرسی و رعایت حقوق عموم متهمان به قدری پیشرفته است که اصلاً نیازی به پیش‌بینی امتیازات ویژه برای متهمان و مجرمان سیاسی وجود ندارد.

در رد نظر فوق، همین استدلال کافی است که به فرض توسعه حرمت آزادی و عدالت و بهبود وضعیت حقوق انسان‌ها در جوامع یادشده، ادعای چنین اوضاع به سامان و پسندیده‌ای فقط و حداکثر برای چند دهه اخیر قابل طرح است، حال آن که پدیده جرم سیاسی، سابقه‌ای به اندازه تاریخ حقوق جدید دارد.

مواجهه مصلحت‌جویانه با جرم سیاسی

به رغم آن که هریک از علل و عوامل پیش‌گفته سهمی در تعریف نشدن جرم سیاسی دارد، بلا تکلیفی جرم سیاسی در قوانین موضوعه را، حتی با تجمیع همه این ادله، نمی‌توان موجه دانست. راز این رهاشدگی را باید در عاملی دیگر که در اراده و اختیار تاریخی ریشه دارد، نه اجبار، جست. این عامل را می‌توان انتخابی مصلحت‌اندیشانه از سوی مقنن دانست که در قوانین اساسی مدرن به مثابه شیوه‌ای برای تمهید بسیاری از مسایل اساسی اتخاذ شده است.

ابهام و ایجاد تعلیق در مقام بیان مفاهیم اساسی از ویژگی‌های قوانین جدید است که در اغلب موارد قوه مؤسس از روی علم و عمد این روش‌ها را برای ایجاد امکان مواجهه متناسب قدرت سیاسی با اوضاع و احوال خاص در حل منازعات سیاسی و مدیریت مصلحت‌جویانه حوادث به وقوع پیوسته به کار می‌گیرد.

تعریف جرم سیاسی در حقوق ایران

حقوق ایران در هنگامه‌ای از تاریخ جدید اروپا منطبق رژیم ارفاقی در حق متهمان و مجرمان سیاسی را در چارچوب نظام جدید سیاسی (حکومت مشروطه) پذیرفت که اروپا دوران طلایی رژیم ارفاقی را سپری می‌کرد. از این‌رو، حقوق اساسی ایران عصر مشروطیت از حیث موضوع بحث در موضع حمایت از معارضان سیاسی حکومت قرار گرفت و پس از پیروزی انقلاب